یادداشت روز

نمودار جنگ اراده‌ها و نیرنگ رزم جوجیتسو

۱)هیچ کس نمی‌تواند انکار کند که آنچه «میان ملت ایران» و مثلث «آمریکا، انگلیس و اسرائیل» می‌گذرد، جنگ اراده‌هاست. هدف غرب از این جنگ چیست؟ اراده کدام طرف در طول چند دهه غلبه کرده است؟ این جنگ، جایگزین هم دارد که نخواهیم زحمت و هزینه‌ها را به جان بخریم؟ کشورهایی که اعتماد کرده و کوتاه آمدند، در کدام وضعیت قرار گرفته‌اند؟ پاسخ این سؤالات، بخشی از خیانتی را که «خط تحریف» در جنگ اراده‌ها مرتکب می‌شوند، بازنمایی می‌کند.

۲) برآورد دشمنان این است که ایران در مسیر اقتدار و پیشرفت قرار گرفته و هیچ چیز، جز اخلال در اراده ایرانی‌ها نمی‌تواند روند صعودی موفقیت‌ها را متوقف کند. «تامیر هیمن»، مدیر موسسه تحقیقات امنیت ملی اسرائیل، چند هفته قبل گفت: «امروز هیچ چیزی جز اراده خود ایرانی‌ها نمی‌تواند آنها را محدود کند. آنها بدون سلاح هسته‌ای به بازدارندگی رسیده‌اند و این یعنی همان وضعیت عالی در برابر غرب، از نگاه رهبر ایران». از جمله طراحی‌های CIA و MI۶ در قالب کودتای مخملین که در جریان فتنه‌سبز رونمایی شد، تقلید از فنون رزمی «جوجیتسو» بود. طبق این تاکتیک، اگر بتوان بخشی از نیروی حریف را علیه خود وی به کار گرفت، بخش مهمی از تئوری «مهار» و «انحلال قدرت» عملی شده است.

۳) آنچه «تامیر هیمن» درباره آزادشدگی اراده ملت ایران بازگو کرده، منحصر در برنامه هسته‌ای و قدرت نظامی نیست. براستی در جنگ ۶۰ ساله در حوزه‌های گوناگون، اراده کدام طرف پیش رفته است؟ رژیم شاه با وجود حمایت همه‌جانبه غرب باقی ماند، یا انقلاب اسلامی ملت ایران بود که پیروز شد؟ رگبار کودتا و ترور و تجزیه‌طلبی و آشوب، موجب سرنگونی شد، یا انقلاب اسلامی را قوی‌تر از قبل کرد؟ صدام (مهره جاه‌طلب و تحریک شده غرب) توانست ایران را فتح کند، یا اراده ملت ما غلبه کرد و منطقه را تغییر داد؟ تحریم اقتصادی، ایران را تسلیم کرد، یا سکویی برای پیشرفت‌های گوناگون زیر ساختی شد؟ صادرات نفت ایران در اثر فشار حداکثری به صفر رسید، یا بدون توافق با آمریکا، احیا و سه برابر شد؟ ایران در اثر انبوه فشارها عقبگرد زد، یا از کشور ناتوان در ساخت لولهنگ (ادعای سران رژیم پهلوی)، به یکی از ۵ تا ۱۰ کشور سرآمد در زمینه نانو، سلول‌های بنیادین، ایجاد چرخه کامل سوخت هسته‌ای، فناوری‌های پیشرفته موشکی و پهپادی، هوا فضا و ماهواره، سدسازی و... تبدیل شد و رشدی معادل ۱۱ برابر متوسط جهانی را در زمینه رشد علمی تجربه کرد؟

۴) جمهوری اسلامی ایران در حصار تحریم سیم خاردار ماند، یا به اذعان مقامات پنتاگون، با تولید موشک‌های دوربرد نقطه زن و پهپادهای فوق مدرن، برتری ۷۰ ساله آمریکا را به چالش کشید؟ چنان که غرب طراحی کرده بود، ایران گرفتار باتلاق در عراق و سوریه و افغانستان شد، یا این آمریکا بود که در باتلاق‌های خود ساخته برای دیگران در افغانستان و اوکراین، گرفتار آمد و ابرقدرتی بلامنازعش را از دست داد؟ نظم جهانی مبتنی بر پروژه «قرن جدید آمریکایی» و «خاورمیانه جدید» شکل گرفت، یا راهبرد ایران برای شکل‌دهی به جهان متکثر چند قطبی؟ ایران، محاصره و منزوی شد، یا توانست عمق نفوذ خود را نه تنها در غرب آسیا بلکه آمریکای‌لاتین و آفریقا گسترش دهد و با عضویت در پیمان‌های بزرگ، هویت و قدرت جدیدی به آنها ببخشد؟ دولت‌ها و جنبش‌های مستقل در سوریه، عراق، لبنان، یمن، و ونزوئلا، طبق اراده آمریکا سرنگون شدند، یا طبق اراده جبهه مقاومت، ماندند و اراده آمریکا را شکستند؟ عراق، مستعمره نظامی آمریکا شد، یا برخلاف پروژه غرب، در شمار ملت‌های برادر و متحد ایران درآمد؟ داعش دست‌ساز آمریکا توانست بر عراق چیره شود و منطقه را بی‌ثبات کند، یا اراده عاشورایی فرزندان مقاومت توانست ضمن تامین امنیت راهپیمایی ۲۳ میلیون نفری زائران امام حسین(ع)، تلخ‌ترین سیلی تاریخ را بر صورت آمریکا و انگلیس و اسرائیل بزند؟

۵) این چند تحلیل از نشریه آمریکایی فارن افرز ظرف یک سال اخیر را مرور کنید:

- «ایران، تخم‌مرغ‌هایش را از سبد برجام برداشته، چرا که اهرم هسته‌ای را بدون کسب منافع وعده داده شده، از دست داد».

- «موقعیت ایران در ماه‌های اخیر، بدون توافق با آمریکا بهبود یافته است».

- «تحریم‌ها علیه ایران، از سر درماندگی و بیش از اندازه تک بعدی است. همه چیز به افول آمریکا بر می‌گردد. رؤسای جمهور مأیوس، تیر کمتری در کمان دارند. تحریم نه تنها افول آمریکا را آشکار می‌کند، بلکه باعث شتاب آن شده و دائما اوضاع را بدتر می‌کند».

- «ایران در دهه‌های اخیر توانسته با همکاری کشورهایی مانند چین و روسیه، اتحادی را علیه واشنگتن تشکیل دهد. ایران با حمایت از سوریه توانست نفوذ خود را در منطقه افزایش دهد و در یمن و لبنان به موفقیت‌هایی دست یابد. این پیروزی ها سبب شده کشورهایی مانند چین، وارد تعامل با ایران شوند. ایران با پیوستن به پیمان شانگهای و بریکس، آثار تحریم‌ها را تا حد زیادی از بین برده. روسیه هم روابط اقتصادی با ایران را افزایش داده است... بنابراین، وقتی حرف ایران به میان می‌آید، بایدن باید از موقعیتی که در آن قرار دارد ناراضی باشد. شرائط ایران در مقایسه با یک سال قبل، پیروزمندانه است. [آیت‌الله] خامنه‌ای رهبر جمهوری اسلامی، بقای انقلاب را در مقابل آمریکا تضمین کرده و خاورمیانه را به منطقه‌ای تبدیل می‌کند که ایران پس از ۴۴ سال تلاش، قدرت مسلط در آن است.»

۶) شاید کسانی بگویند موفقیت‌ها جای تردید ندارد، اما کشور هزینه‌های زیادی پرداخته و با مشکلات اقتصادی دست و پنجه نرم می‌کند و نکاتی از این دست. اولا بخش بزرگی از چالش‌ها، یا تحمیل غرب است، و یا برآمده از تحلیل‌ها و مدیریت عناصر غربگرا در گذشته. ثانیا می‌توان در نقطه مقابل، سرنوشت کشورهایی را مرور کرد که به خاطر اعتماد به آمریکا، خسارت‌های بزرگی را متحمل شدند. صرف نظر از مصایبی که نزدیکی به آمریکا بر سر اقتصاد و امنیت کشورهایی مانند مصر و لیبی و ترکیه و مالزی، (و ژاپن و کره‌جنوبی، در قالب استقرار پایگاه نظامی، تحمیل کاپیتولاسیون و رفتار مستعمره گونه) آورد، جا دارد به متحدان اروپایی آمریکا بپردازیم. منطق آمریکا حتی درباره متحدانش غربی این است که باید ضعیف و وامدار واشنگتن باقی بمانند و سودای نزدیکی به دیگر قطب‌ها را نداشته باشند. اوکراین، اولین قربانی آمریکا در دوره جدید بود که احتمالا تا چند دهه دیگر سر پا نخواهد شد. رابرت کندی (نامزد دموکرات انتخابات آمریکا) چند ماه قبل اذعان کرد: «در جنگ آمریکا علیه روسیه، ۳۰۰ هزار اوکراینی کشته شدند. وزیر دفاع آمریکا آوریل ۲۰۲۲ گفته بود هدف ما، از پا درآوردن ارتش روسیه است. از پا درآوردن یعنی چه؟ یعنی به کشتن دادن اوکراینی‌ها. بیایید صادق باشیم. این در واقع، جنگ آمریکا به خاطر مسائل ژئوپلیتیکی علیه روس‌هاست؛ دسیسه‌ای که توسط نهادهای اطلاعاتی و نومحافظه‌کاران در سال ۲۰۱۴ آغاز شد. ما ۳۰۰ هزار اوکراینی را به کشتن دادیم».

۷) اما اوکراین تنها قربانی آمریکا در جنگ اخیر نیست، چنان که «پولیتیکو» نوشت: «مقامات ارشد اروپایی، آمریکا را متهم می‌کنند که به بهانه جنگ اوکراین، در حال غارت اروپاست. اظهارات پنهان و آشکار این مقامات، از خشم شدید به خاطر سودجویی آمریکا حکایت می‌کند. آنها می‌گویند آمریکا بیشترین سود را از جنگ اوکراین می‌برد، زیرا سلاح‌های بیشتر و گاز بیشتر با قیمتی بالاتر به اروپا می‌فروشد. جوزف بورل درباره نگرانی‌های اروپا گفت: دوستان آمریکایی، تصمیماتی می‌گیرند که بر وضعیت اقتصادی ما اثر می‌گذارد». به گزارش یورو نیوز، به نقل از نتایج نظرسنجی موسسه ایپسوس (Ipsos): «دست‌کم یک چهارم اروپایی ها در شرایط پر مخاطره مالی قرار دارند و نگران وضعیت قدرت خرید خود هستند. ۵۵٪ اروپایی‌ها، ۶۴٪ یونانی‌ها، ۶۳٪ صرب‌ها و ۶۰٪ فرانسوی‌ها بر این باورند که قدرت خرید آنها در سه سال گذشته کاهش یافته. در حالی که نرخ تورم سه سال قبل، کمتر از صفر و منفی بود، اکنون ۸۹ درصد اروپایی‌ها، افزایش تورم را مهم‌ترین دلیل کاهش قدرت خرید خود می‌دانند».

بقیه در صفحه ۱۱

وزیر اطلاعات خبر داد

کشف ۴۰۰ بمب در چند ماه اخیر ۴۰ بمب برای انفجار در هیئت‌ها بود

وزیر اطلاعات جمهوری اسلامی ایران از کشف و خنثی‌سازی ۴۰۰ بمب در ۶ ماه اخیر خبر داد و گفت که ۴۰ بمب برای انفجار در ایام محرم طراحی شده بود.

حجت‌الاسلام و المسلمین سید اسماعیل خطیب، وزیر اطلاعات با حضور در یک برنامه تلویزیونی با تشریح اقدامات اخیر دستگاه امنیتی کشورمان گفت: دستگاه امنیتی تلاش خود را برای مقابله با توطئه و آنچه آرامش را از جامعه سلب می‌کند به‌کار می‌گیرد تا شرایطی فراهم کند که آرامش در کشور برقرار شود و وظایفی پنجگانه برای خود در حوزه مبارزه با رژیم صهیونیستی و نظام سلطه و تروریسم و براندازی و جاسوسی و نفوذ و مفاسد اقتصادی و ناکارآمدی تعریف کرده است.

وزیر اطلاعات بیان کرد: نیروهایی که در وزارت اطلاعات هستند معمولاً از بین افراد انقلابی متعهد گزینش می‌شوند و افرادی با روحیه جهادی هستند که شبانه‌روز خود را در گرو امنیت کشور گذاشته‌اند.

وی گفت: در سال گذشته اتفاقی افتاد و پیش‌بینی کرده بودیم که سه ضلع سرویس‌های اطلاعاتی اندیشکده‌ها و تشکل‌های نیمه‌دولتی در خارج و بعضی تشکل‌هایی که معاندین مجموعه نظام محسوب می‌شوند، به‌دلیل تروریست بودن و تجزیه‌طلبی و وابستگی به رژیم سابق، تصمیماتی را در پایان سال ۱۴۰۰ طراحی می‌کنند که گزارش‌ها و مستندات آن موجود است.

حجت‌الاسلام و المسلمین خطیب اظهار کرد: بیش از ۵۰ سرویس اطلاعاتی جلسات و میزگردهای متعددی در کشورهای مختلف برگزار کردند و بیش از ۲۰۰ رسانه را برای این کار آموزش دادند و با کمک آن تشکل‌های شبه‌دولتی یک مجموعه‌هایی را برای آموزش و طراحی براندازانه خود پیش‌بینی کردند و با کمک گرفتن از ابزار فضای مجازی و رسانه، این فتنه و توطئه و آشوب در کشور برپا کردند.

وزیر اطلاعات بیان کرد: رهبر انقلاب در دیدار اخیر به ضعف توان رسانه‌ای اشاره داشتند ولی در نظر داشته باشید بودجه صدا و سیما و نیروهای ارزشی و انقلابی از نظر ظاهری و کمی با بودجه ۲۰۰ رسانه متکی به سرمایه‌های بی‌حد و حساب کشورهای مختلف قابل مقایسه نیست.

به گزارش مهر، وی گفت: بودجه ۵۰ سرویس اطلاعاتی از بودجه کل کشور بیشتر است و هدف آنها براندازی است. یکی از کشورهای همسایه در مرز ایران کارخانه اسلحه‌سازی ایجاد کرده بود که تمام تولیدات آن به داخل کشور قاچاق می‌شود.

دیدار نماینده ویژه اتحادیه اروپا در منطقه خلیج فارس با امیرعبداللهیان

نماینده ویژه اتحادیه اروپا در منطقه خلیج فارس بعدازظهر یکشنبه با وزیر امور خارجه جمهوری اسلامی ایران دیدار و گفت‌وگو کرد.

«لوئیجی دی مایو» نماینده ویژه اتحادیه اروپا در منطقه خلیج فارس که به تهران سفر کرده یکشنبه ۱۹ شهریورماه با حضور در محل وزارت امور خارجه با حسین امیرعبداللهیان، وزیر امور خارجه جمهوری اسلامی ایران دیدار و گفت‌وگو کرد.

«لوئیجی دی مایو»، وزیر امور خارجه سابق ایتالیا و رهبر سابق حزب «جنبش پنج ستاره» اخیرا به عنوان اولین فرستاده ویژه اتحادیه اروپا برای کشورهای حوزه خلیج فارس منصوب شد. «جوزپ بورل» مسئول سیاست خارجی اتحادیه اروپا اردیبهشت سال جاری با ارسال نامه‌ای به اعضای اتحادیه اروپا از انتصاب دی مایو در این سمت خبر داد.

دی مایو از اول ژوئن ۲۰۲۳ (۱۱ خرداد ۱۴۰۲) تا ۲۸ فوریه ۲۰۲۵ (۱۰ اسفند ۱۴۰۳) برای یک دوره اولیه ۲۱ ماهه در این سمت مشغول به فعالیت شد. «لوئیجی دی مایو» وزیر امور خارجه سابق ایتالیا ۱۳ مهرماه ۱۴۰۱ با امیرعبداللهیان تلفنی گفت‌وگو کرده بود.

امیرعبداللهیان: اعلام آمادگی ایران برای امدادرسانی به زلزله‌زدگان مغرب

علاوه‌بر این، امیرعبداللهیان شنبه‌شب با خطاب قرار دادن (منشن کردن) حساب رسمی وزارت خارجه مراکش در فضای مجازی درباره زلزله ۷ ریشتری بخش مرکزی مراکش نوشت: در این لحظات سخت به یاد زلزله‌زدگان مراکش هستم و از درگاه خداوند برای جان‌باختگان رحمت و برای مصدومان بهبودی و سلامتی مسالت دارم. به گزارش ایرنا، وزیر امور خارجه در ادامه با تسلیت این رخداد به ملت و دولت مسلمان به‌ویژه همتای مراکشی خود «ناصر بوریطه» گفت: اعلام آمادگی هلال احمر برای امدادرسانی را تکرار می‌کنم.

باقری: از ابتکارات اروپا برای گشایش دریچه‌های جدید تعامل و همکاری استقبال می‌کنیم

خبر دیگر اینکه، «لوئیجی دی مایو» نماینده ویژه اتحادیه اروپا در امور خلیج فارس که در رأس هیئتی به تهران سفر کرده، صبح یک‌شنبه ۱۹ شهریورماه با علی باقری معاون سیاسی وزارت امور خارجه نیز دیدار و گفت‌وگو کرد.

معاون سیاسی وزارت امور خارجه در این دیدار با تأکید بر زمینه‌های گسترده همکاری بین ایران و اتحادیه اروپا تصریح کرد: تنوع راهبردی در سیاست خارجی دولت سیزدهم نشاط، چالاکی و بالندگی متمایزی به تحرکات دیپلماتیک ایران داده و از این‌رو ظرفیت‌های ایجابی ایران در عرصه‌های منطقه‌ای و بین‌المللی فرصت‌های بی‌بدیلی را پیش روی بازیگران در سطح منطقه و جهان برای گفت‌وگو، تعامل و همکاری قرار داده است.

باقری با اشاره به نقش اتحادیه اروپا در بسیج و تجمیع ظرفیت‌های مجموعه اروپایی اظهار داشت: ایران در عمل نشان داده که عزم، اراده و توانایی لازم را برای تعامل دوجانبه داشته و لذا از هرگونه ابتکار طرف اروپایی برای گشایش دریچه‌های جدید تعامل و همکاری استقبال می‌کند.

به گزارش فارس، لوئیجی دی مایو نماینده ویژه اتحادیه اروپا در امور خلیج فارس نیز در این دیدار با تأکید بر نقش مهم و اثربخش جمهوری اسلامی ایران در معادلات منطقه‌ای و جهانی و برشمردن ابعاد وظایف و ماموریت خود به عنوان نماینده ویژه اتحادیه اروپا، حمایت همه کشورهای عضو اتحادیه اروپایی از باز بودن مسیر گفت‌وگو و تعامل با جمهوری اسلامی ایران را مورد اشاره قرار داد.

مجمع جهانی بیداری اسلامی هتک‌حرمت بانوان فلسطینی توسط صهیونیست‌ها را محکوم کرد

مجمع جهانی بیداری اسلامی در پی هتک حرمت نظامیان صهیونیست به بانوان فلسطینی، با صدور بیانیه‌ای این اقدام وحشیانه را محکوم و از مجامع بین‌المللی، گروه‌های مقاومت، مسلمانان آزادی‌خواه و شخصیت‌ها خواست تا پیروزی نهایی و شکست قطعی رژیم ظالم صهیونیستی، از هیچ کوششی دریغ ننمایند.

در این بیانیه آمده است: هتک حرمت بانوان شجاع و بی‌دفاع فلسطینی در استان الخلیل نقض آشکار حقوق ملت بزرگ فلسطین است و این مهم موضوعی نیست که بتوان از آن گذشت و مسببان آن باید منتظر پاسخ کوبنده نسبت به این حرکت جنایتکارانه باشند. رژیم صهیونیستی در این روزها هرچه که به دوران پایان خود نزدیک می‌شود به مثال کسی است که در باتلاق گرفتار گردیده و در حال غرق شدن است و لذا با انجام جنایات وحشیانه سعی در منحرف کردن افکار عمومی دارد.

مجمع جهانی بیداری اسلامی در ادامه این بیانیه می‌افزاید: بی‌تردید ملت‌های مسلمان امروز نسبت به ماهیت جنایتکار و خبیث این رژیم جعلی آگاه‌تر هستند و از همین رو شاهد هستیم که این رژیم غاصب در انزوای بیشتری قرار گرفته به نوعی که حتی روز به روز در حال از دست دادن هم‌پیمانان منطقه‌ای خود نیز می‌باشد. این نکته بیانگر واقعیتی است که رژیم سفاک صهیونیستی به دوران پایانی خود نزدیک شده و کشورهای اسلامی منطقه باید با هوشیاری نسبت به عدم عادی‌سازی روابط اقدام کنند زیرا بر هر ملت آزاده و مسلمانی آشکار است که سرانجام رابطه با رژیمی که حتی به ابتدایی‌ترین اصول و حقوق انسانی پایبند نیست مطلقا نمی‌تواند مورد اعتماد باشد.

به گزارش ایسنا، در بیانیه یادشده همچنین تأکید شده است: مجمع جهانی بیداری اسلامی ضمن محکوم کردن هتک حرمت بانوان شریف و شجاع فلسطینی و ملت مظلوم فلسطین از مجامع بین‌المللی، گروه‌های مقاومت، همه مسلمانان آزادیخواه و شخصیت‌ها می‌خواهد که تا پیروزی نهایی و شکست قطعی رژیم ظالم صهیونیستی، از هیچ کوششی دریغ ننموده، تا فتح و نصرت کامل الهی نصیب ملت در رنج و ستم فلسطین قرار گیرد.

خبر ویژه

تحریف موفقیت‌های اقتصادی خیانت تازه پادوهای اشرافیت غربگرا

تحریف واقعیت‌های اقتصادی و ناکامی جلوه دادن موفقیت‌های اقتصادی دولت به‌ویژه در مهار میراث فاجعه‌بار دولت روحانی، به ماموریت ثابت در نشریات زنجیره‌ای وابسته به اشرافیت غربگرا تبدیل شده است. در این میان دو روزنامه سازندگی و هم‌میهن (وابسته به حزب کارگزاران) در حالی جزو معرکه‌گیران عمده هستند که دو دولت مورد حمایت آنها (دولت‌های هاشمی و روحانی) رکوردهای تورمی بی‌سابقه درحد ۴۹/۶ درصد و ۵۹ درصد برجای گذاشته‌اند.

روزنامه سازندگی در تحلیلی با عنوان «آیا منتقدان دولت می‌توانند تورم خلق کنند؟» نوشت: «وزیر اقتصاد گفته متأسفانه عده‌ای برخلاف توصیه‌های رهبری به‌دنبال دامن زدن به ایجاد موج تورمی در کشور هستند. این افراد یا از روی جهل یا براساس اهداف دیگر این اقدامات نادرست را انجام می‌دهند که به نفع مردم، انتظارات روانی جامعه و مدیریت اقتصاد کشور نیست». چنین سخنانی در عرصه سیاسی رایج است اما علم اقتصاد هرگز برای این سخنان وجاهت قائل نیست. خاندوزی در حالی این سخنان را مطرح کرده که آخرین آمارهای بانک مرکزی نشان می‌دهد، رشد نقطه‌به‌نقطه پایه پولی در ماه فروردین نسبت به سال گذشته به ۴۵ درصد رسیده که یکی از بالاترین میزان رشد این متغیر در چند دهه گذشته است. این اتفاق در حالی رخ داده که در این ماه، مانده بدهی دولت به بانک مرکزی ۶۵ هزار میلیارد تومان افزایش یافته و از عوامل اصلی رشد پایه پولی بوده است. در کنار این موارد نسبت پول به نقدینگی که نشان‌دهنده میزان سیالیت نقدینگی است نیز به ۲۶ درصد رسیده که بیشترین میزان تاریخی خود را نشان می‌دهد. البته این عادت همه دولت‌های تورم‌ساز است که مسبب افزایش تورم را همه‌چیز و همه‌کس می‌دانند الا سیاست‌های خودشان. وزیر اقتصاد معتقد است، منتقدان دولت این قدرت را دارند که انتظارات تورمی را تحریک کنند اما در علم اقتصاد مقاله‌ای یا تحقیقی یا کتابی وجود ندارد که نشان دهد که منتقدان سیاسی یا حتی مخالفان دولتی قادر به تحریک انتظارات تورمی و افزایش تورم هستند. این در حالی است که موتورخانه اصلی تورم در بانک مرکزی قرار دارد و کلید آن دست رئیس کل بانک مرکزی است».

از سوی دیگر روزنامه هم‌میهن متعلق به کرباسچی هم ضمن تحریف سخنان وزیر اقتصاد، مدعی اذعان وی به شکست شد(!) و نوشت: «تیر خلاص را آقای وزیر اقتصاد به انتظارات مردم زدند و با اعلام اینکه اگر بانک مرکزی بتواند نوسان ارزی را مدیریت کند، اسفند را با تورمی در حدود ۴۰ درصد به پایان خواهیم رساند. به عبارت دیگر تورم ۴۰ درصدی امسال نیز مشروط به شرطی شده که بانک مرکزی بتواند مشکلات ارزی را حل و مهار کند؛ شرطی که در بیشتر موارد محقق نمی‌شود. تورمی که براساس وعده آقایان قرار بود نصف و سپس تک‌رقمی شود اکنون ۴۰ درصد آن هم مشروط خواهد بود. آنچه که آقای وزیر توجه نمی‌کنند این است که چرا سال ۹۹ و ۱۴۰۲ را مقایسه نمی‌کنند؟ در سال ۹۹، میزان نفت صادراتی کمتر از یک‌سوم اکنون است. قیمت نفت نیز خیلی کمتر از نصف قیمت الان بود. یعنی درآمدهای نفتی این دولت ۶ برابر آن زمان شده، ولی اکنون تورم بیش از آن زمان است.»

درباره این رویکرد هماهنگ نشریات زنجیره‌ای گفتنی است: ۱) مخالفان دولت را نباید با منتقدان اشتباه گرفت. برخی از این مخالفان همان‌هایی هستند که ضمن مقابله با جمهوریت و اسلامیت در سال ۱۳۸۸، بستر تحریم‌های آمریکا و تحمیل شوک تورمی را فراهم کردند و بعدها هم- حتی در میان اعضای کارگزاران- گفتند کاش ترامپ رأی می‌آورد و فشار بیشتری اعمال می‌کرد. این غیر از گرای تحریم‌هایی است که به آمریکا داده شد. طیف مذکور سال گذشته نیز با حمایت آمریکا و اسرائیل و انگلیس، بانی اغتشاشاتی بودند که هدفش، توقف موفقیت‌های اقتصادی دولت در مهار فجایع به ارث رسیده از مدیریت اشرافی غربگرا بود. مقامات فرانسوی خسارت شش روز آشوب در این کشور- بدون عقبه خارجی و نقش‌آفرینی احزاب و گروه‌های سیاسی داخلی- را یک میلیارد یورو (۱.۰۹ میلیارد دلار) برآورد کردند. اگر ۶ روز ناآرامی (بدون ضریب‌دهی خارجی و نقش‌آفرینی احزاب داخلی) موجب بیش از یک میلیارد دلار خسارت شده، پنج ماه (۱۵۰ روز) آشوب‌افکنی غربگرایان در ایران با هدایت خارجی در سال گذشته، و هشت ماه (۲۴۰ روز) آشوب‌افکنی نیابتی در سال ۱۳۸۸، مجموعا چقدر خسارت برای اقتصاد ایران به همراه داشت؟! دست‌کم ۶۵ میلیارد دلار به‌خاطر آسیب مستقیم و چند برابر آن، به‌خاطر افزایش هزینه‌های ناشی از تحریم در طول این ۱۴ سال؟!

۲) بالاترین رکوردهای کسری بودجه، رشد نقدینگی، افزایش پایه پول و چاپ پول و نهایتا تورم، در دولت مدعی اعتدال به ثبت رسید و بدتر اینکه آن دولت، موتور تورم را از جهات مختلف روشن کرد و به تصاعد فزاینده رساند و سپس در همین وضعیت تصاعدی، دولت را با این آمار و ارقام تحویل داد: کسری بودجه ۴۸۰ هزار میلیارد تومانی، جاروشدگی خزانه و پیش‌خور شدن بودجه ارزی سال ۱۴۰۰، انتشار ۲۰۰ هزار میلیارد تومان پول بی‌پشتوانه و انفجار نقدینگی، بدهی انباشته ۱۵۰۰ هزار میلیارد تومانی، و سررسید اوراق فروخته شده به میزان ۵۳۲ هزار میلیارد تومان. ادامه این روند منطقا می‌توانست طبق پیش‌بینی برخی حامیان دولت سابق، تورم سه‌رقمی (بالای صددرصد) را به ثبت برساند اما دولت رئیسی موفق شد با وجود آن میراث فاجعه‌بار کسری و ناترازی و همچنین تبعات مهندسی‌شده اغتشاشات، تورم ۶۰ درصدی را به ۴۷ درصد برساند و اکنون هم در تلاش برای کاهش بیشتر این نرخ است.

دولت رئیسی در همین مدت برخی یادگاری‌های منفی دولت قبل را هم جارو کرده و ناترازی‌ها را کاهش داده است؛ از جمله: تسویه ۲۷۰ هزار میلیارد تومان بدهی سود اوراق، تسویه ۱۰۰ هزار میلیارد تومان بدهی به صندوق‌های بازنشستگی، اختصاص ۴۰ هزار میلیارد برای رتبه‌بندی معلمان و ۵۴ هزار میلیارد برای تسویه بدهی بانک مرکزی. تامین این هزینه‌های هنگفت (در کنار تامین بودجه عمومی) به‌واسطه افزایش درآمدهای نفتی و غیرنفتی انجام شده است. همچنین با وجود شرارت‌های سال گذشته، نرخ رشد اقتصادی صفر شده در دهه ۹۰، به ۴ درصد رسیده است.

۳) اگر صادرات و درآمدهای نفتی سقوط کرده در دولت سابق، در دوره فعلی احیا شده، این یک موفقیت بزرگ است و اگر غیر از جبران کسری ۴۸۰ هزار میلیارد تومانی، مجموعا ۴۶۴ هزار میلیارد تومان از بدهی‌ها و تعهدات دولت قبل هم تسویه شده، از طریق همین افزایش صادرات و درآمد نفت صورت گرفته است. گردانندگان سازندگی و هم‌میهن قطعا از این ارقام هنگفت و حیرت‌انگیز در زمینه تبدیل ناترازی‌ها به تراز مالی مثبت خبر دارند، اما ماموریت دارند آشوب‌افکنی ناکام سال گذشته را با آشوب‌افکنی ذهنی احیا کنند.

۴) براساس آخرین آمار بانک مرکزی، نرخ رشد دوازده‌ماهه نقدینگی در تداوم روند نزولی خود از مهرماه سال ۱۴۰۰ (۴۲ و هشت‌دهم درصد) به ۲۶ و ۹ دهم درصد در پایان مردادماه سال ۱۴۰۲ کاهش یافته است. رشد سرسام‌آور نقدینگی در دولت روحانی حالا در دولت رئیسی کنترل شده که نویدبخش کنترل سرعت تورم در ماه‌های پیش‌رو است. همچنین، رشد پایه پولی از ۲۵ و ۷ دهم درصد در پایان سال ۱۴۰۱ به ۲۵,۱ درصد در مردادماه ۱۴۰۲ رسید. همچنین رشد دوازده‌ماهه پول در مردادماه سال جاری معادل ۴۱ درصد بوده که نسبت به رشد دوره مشابه سال قبل (۵۵ درصد) معادل ۱۴ درصد کاهش یافته است.

شگرد جناحی کردن مذاکرات برای تبرئه بایدن و ابقای تحریم‌ها

روزنامه نیویورک‌تایمز، تیتر غلط‌انداز «مذاکره مستقیم در نیویورک» را به‌عنوان تیتر اصلی خود منتشر کرد و ذیل آن در تیتری فرعی نوشت: «پیشنهاد جدید موسویان به ایران و آمریکا برای احیای برجام همزمان با اوج‌گیری حملات جمهوری‌خواهان تندرو به او».

عبارت اخیر روزنامه هم‌میهن به نحوی بیان شده که انگار فقط جمهوری‌خواهان آمریکا دشمن هستند و دموکرات‌هایی که همین الان در دولت آمریکا حضور دارند، همان‌هایی نیستند که از تحریم‌ها و ارائه تضمین معتبر برای عدم تکرار عهدشکنی برجامی طفره رفتند.

هم‌میهن می‌نویسد: «مجمع عمومی سازمان ملل تا چند روز دیگر آغاز می‌شود. این نشست فرصت خوبی برای آغاز گفت‌وگوهای مذاکرات مستقیم ایران و آمریکا و متعاقب آن برگزاری نشست کشورهای ۱+۵ و ایران برای احیای برجام است». این، بخشی از پیشنهاد سیدحسین موسویان، دیپلمات پیشین و سخنگوی تیم مذاکره‌کننده هسته‌ای ایران در زمان مسئولیت حسن روحانی در ابتدای دهه ۱۳۸۰ است. موسویان پیشنهاد خود را در حالی مطرح کرده که در روزهای اخیر و درپی سخنرانی‌اش در نشست سالیانه «فرماندهی استراتژیک آمریکا (استراتکام)» با حملات تند جمهوری‌خواهان و کنگره از یک‌سو و اپوزیسیون ایرانی خارج از کشور از سوی دیگر مواجه شده بود. «فرماندهی استراتژیک» یک نهاد دولتی- نظامی آمریکاست که مسئولیت اموری همچون بازدارندگی استراتژیک، و تهدیدات موشکی آمریکا را برعهده دارد. موسویان در این نشست که با موضوع «بازدارندگی» برگزار شده بود، انگشت بر نکته مهمی گذاشت و با بازخوانی مداخلات آمریکا در امور ایران از زمان دولت مصدق تا حمایت از صدام در جنگ ایران و عراق و نهایتاً، خروج ترامپ از برجام نتیجه گرفت این اقدامات که همگی هم در زمان دولت‌های تندرو جمهوری‌خواه رخ داد، حاصلی جز تقویت گرایش‌های نظامی و اقتدارگرایی در ایران نداشته است و در سال‌های اخیر و پس از تجربه برجام، مقامات ایران را به دوری بیشتر از غرب، اتخاذ راهبرد «نگاه به شرق» و حتی تلاش برای شکل دادن اتحادهایی استراتژیک با چین و روسیه واداشته است.

سخنرانی صریح موسویان که در آن، جمهوری‌خواهان تندرو و جریان‌های میلیتاریست آمریکا را هدف گرفته بود، خیلی زود واکنش تند آنان را برانگیخت. تندروهای آمریکا، نوک تیز حملات خود را متوجه «فرماندهی استراتژیک آمریکا» کردند که چرا از چهره‌ای چون موسویان که از دیپلمات‌های سابق جمهوری اسلامی است، در نشست سالیانه خود دعوت کرده است. در این زمینه، نشریه آمریکایی «واشنگتن فری‌بیکن» نوشت: «سناتور جمهوری‌خواه راجر ویکر و مایک راجرز، به تحقیق پرداخته‌اند که چرا مرکز تصمیمات فرماندهی راهبردی آمریکا میزبان یک مُبلّغ بدنام ایرانی است».

هم‌میهن می‌افزاید: علت حملات و اتهام‌زنی‌های راست رادیکال ایران و راست رادیکال آمریکا به چهره‌هایی چون موسویان چیست؟ آنچه روشن است این دو جریان از دو مسیر متفاوت به یک راهبرد می‌رسند که همانا ضرورت تداوم و حتی افزایش تنش در روابط میان ایران و آمریکاست. برمبنای چنین رویکردی است که در مقاطع مختلف، هرگاه زمینه تنش‌زدایی و شکل‌گیری سطحی از مذاکرات فراهم شده است، راستگرایان رادیکال در تهران یا واشنگتن فعال می‌شوند و میز مذاکره را برهم می‌زنند؛ که در این میان، سهم و مسئولیت تندروهای آمریکایی را باید بسیار بیشتر دانست. طرح مشکوک بحث «محور شرارت» در سخنرانی جورج بوش پسر آن‌هم در شرایطی که دولت ایران منادی گفت‌وگوی تمدن‌ها بود و حتی مقامات نظامی ایران در جنگ علیه تروریسم به همکاری اعلام‌نشده‌ای با ائتلاف ضدطالبان روی آورده بودند؛ نماد بارزی از این اقدامات بود که نه‌فقط روابط دوطرف را بار دیگر به مرز بحران رساند، بلکه موقعیت نیروهای اصلاح‌طلب و میانه‌رو در ایران را به‌شدت تضعیف کرد. مواضع رادیکال دولت بوش علیه ایران، یکی از عوامل اصلی کنار رفتن چهره‌هایی چون خاتمی، روحانی و موسویان و روی آمدن راستگرای رادیکالی چون احمدی‌نژاد بود. پس از احمدی‌نژاد نیز، با وجود روی کار آمدن میانه‌روها در ایران، باز هم این رادیکال‌های راست بودند که تحت‌عنوان «دلواپسان» به فضاسازی و کارشکنی در مسیر توافق هسته‌ای پرداختند و خواسته یا ناخواسته با تل‌آویو، ریاض و لابی‌های عبری-عربی در آمریکا همراه شدند. حتی پس از آنکه برجام به امضاء رسید، باز حملات راستگرایان تهران و واشنگتن ادامه یافت. راست‌های رادیکال با گذشت حدود ۱۸ ماه از زمان روی کار آمدن ترامپ، نهایتاً به هدف خود رسیدند و در اردیبهشت ۱۳۹۷ آمریکا از برجام خارج شد و تا امروز نیز، به‌رغم همه فرازونشیب‌ها و تحولات داخلی ایران و آمریکا، احیای آن محقق نشده است.

روزنامه هم‌میهن توضیح نداده که اگر فقط جمهوری‌خواهان خواستار به‌هم زدن برجام یا قرار دادن ایران در فهرست محور شرارت بودند، چرا دولت دموکرات اوباما بر لیست تحریم‌ها پس از برجام افزود، بر سر راه اجرای برجام و سرمایه‌گذاری در ایران کارشکنی کرد، داعش را علیه ایران پدید آورد، اقدام به ترور و خرابکاری هسته‌ای کرد و پایه‌گذار «تحریم‌های